

بررسی جایگاه نظام تعلیم و تربیت اسلامی در ایجاد تمدن نوین اسلامی

حسین مرادی^۱، شهربانو شیری^۲

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز.

^۲ اداره آموزش و پرورش منطقه دلوار، آموزگار دبستان سمیه دلوار.

نام نویسنده مسئول:

حسین مرادی

چکیده

تمدن و مدنیت در اصطلاح، نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی است که در جامعه ویژه رخ می‌نماید. نقش‌آفرینان تولید فکر، باید توانایی هدایت افکار و همچنین پرورش انسانها و تقویت نیروی ایمان در آنها را داشته باشند چرا که تنها با حضور آحاد مردم و پرورش روح ایمان آنهاست که مسیر برای تحقق تمدن نوین اسلامی هموار می‌گردد. از اهداف مهم نظام جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌سازی در راستای تحقق اهداف متعالی دین اسلام و فرهنگ اصیل ایرانی و تشکیل تمدن نوین اسلامی - ایرانی است. از اهم نهادهای اساسی و زمینه‌ساز در این مسیر، نظام تعلیم و تربیت است. از این رو در پژوهش صورت گرفته جایگاه نظام تعلیم و تربیت در ایجاد تمدن نوین اسلامی بررسی می‌شود که به صورت مروری بر متون نظری مرتبط با موضوع انجام گردید. نظر به این که تمدن، نتیجه دانش و اعتلای فرهنگی است و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، مستلزم اجرای همه‌جانبه‌ی اسلام در قالب فرایند نوسازی جامعه از مجرای آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش از طریق تبیین اهداف فردی و اجتماعی در جامعه بر اساس موازین شریعت اسلام، ایجاد آگاهی و گرایش نسبت به اسلام، انتقال ارزش‌ها و آداب اسلامی، ترویج سبک زندگی اسلامی و ایرانی، تربیت اخلاقی، فردی و اجتماعی، تولید علم و فناوری و زمینه سازی جهت دستیابی به رفاه نسبی، زمینه‌ی لازم جهت شکل‌گیری تمدنی نوین با توجه به آموزه‌های اسلامی و ملی را فراهم می‌نماید.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، تربیت، نظام تعلیم و تربیت.

مقدمه

آموزش و پرورش در شکل‌گیری نوع خاصی از زندگی که مطابق با فرهنگ، آرمان‌ها و هنجارهای جامعه است، دارای جایگاهی رفیع می‌باشد. در دنیای امروز جوامع مختلف برای رسیدن به برتری علمی، سیاسی، نظامی و عمرانی فرهنگی با هم رقابت می‌کنند و آن کشورهایی موفق‌تر هستند که سبک زندگی صحیح و ایده‌آل را سرمنشاء و سرلوحه ملت خود قرار داده‌اند. از اهداف مهم نظام جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌سازی در راستای تحقق اهداف متعالی دین اسلام و فرهنگ اصیل ایرانی و تشکیل تمدن نوین اسلامی - ایرانی است. از اهم نهادهای اساسی و زمینه‌ساز در این مسیر، نظام آموزش و پرورش است. لذا در این مقاله به بررسی نقش نظام آموزش و پرورش در زمینه‌سازی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی پرداخته می‌شود که به صورت مروری بر متون نظری مرتبط با موضوع انجام گردید. نظر به این که، تمدن، محصول دانش و تعالی فرهنگی است و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی - ایرانی، مستلزم اجرای همه جانبه‌ی اسلام در قالب فرایند نوسازی جامعه از مجرای آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش از طریق تبیین اهداف فردی و اجتماعی در جامعه بر اساس موازین شریعت اسلام، ایجاد آگاهی و گرایش نسبت به اسلام، انتقال ارزشها و آداب اسلامی، ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تربیت اخلاقی، فردی و اجتماعی، تولید علم و فناوری و زمینه‌سازی جهت دستیابی به رفاه نسبی، زمینه‌ی لازم جهت شکل‌گیری تمدن اسلامی - ایرانی است. تمدن و مدنیت در اصطلاح، نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی است که در جامعه ویژه رخ می‌نماید. تمدن مجموعه‌ای پیچیده از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال، شامل جهات دینی و مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یک دیگر است. (فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۴۷) برخی تمدن را جنبه مادی فرهنگ بر شمرده‌اند و گفته‌اند که تمدن وجه تجسم و بیرون فرهنگ است. فرهنگ نیز در این معنا عبارت از هر چیزی است که انسان آن را اندیشیده و یا آفریده است که در بردارنده هنرهای معماری، سنت‌ها و آیین، رسوم و آداب، قوانین نوشته و نانوشته انسانی، فن‌آوری و مانند آن است. به نظر می‌رسد که تمدن، در سایه دولت‌ها و قدرت‌های فرهنگی شکل می‌گیرد و تمدن بدون دولت به معنای تمدن بدون فرهنگ خواهد بود که معنا و مفهوم درست و مقبولی نخواهد داشت. تمدن هر چند که جنبه مادی و تجسمی فرهنگ است اما این تجسم‌یابی بیش از آن که به هنرهای معماری و فن‌آوری ارتباط یابد با جنبه دولت قانونی و جامعه مدنی و قدرت مشروع معنا و مفهوم می‌یابد.

تمدن‌ها در آیات قرآنی مجموعه‌ای از اجتماعات انسانی است که در یک فرآیند به رشد و بالندگی و شکوفایی رسیده و توانسته است جامعه‌ای قدرتمند و ثروتمندی را بر پایه سنت‌ها و قوانین ایجاد کنند. این تمدن‌ها در آغاز به راه راست حرکت می‌کردند و از قوانین و عدالت سودی می‌جستند از این رو به بالندگی دست یافتند ولی در ادامه راه منحرف شده و به کژراهه رفته و در نهایت به جهت ظلم و بی‌عدالتی در حق خود و دیگران نابود شده و بر پایه قوانین و سنت‌های الهی نیست شده‌اند. مهم‌ترین تمدن‌هایی که قرآن به آن‌ها اشاره دارد می‌توان از تمدن فرعونیان، ثمود، عاد، سبئیان (تبع)، بنی اسرائیل، ذوالقرنین و مانند آن یاد کرد. اشاره قرآن به این تمدن‌ها از برای عبرت‌گیری است؛ قرآن در آیات خود به تحلیل علل و عوامل شکوفایی و نیستی این تمدن‌ها اشاره می‌کند تا دیگر جوامع بشری از آن پند گرفته و از علل و عوامل آسیب‌زای آن پرهیز کرده و یا جلوگیری به عمل آورند. تعلیم و تربیت یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌هایی است که در طی یک فرایند، نسل اول می‌کوشد تا قدرت آگاهی نسل بعد از خود را در همه زمینه‌ها پرورش داده و آنها را برای برخورد با مسائل گوناگون آماده سازد. تعلیم و تربیت به مثابه جریان‌ی است که باید در کنار آموزش دانش، قدرت تفکر را در فرد رشد دهد و تسلط او را بر محیط زندگی افزون کند. در آموزش و پرورش هم از علم صحبت می‌شود و هم از تفکر. هم پرورش عقلانیت مورد توجه است و هم از جنبه اجتماعی بودن انسان سخن به میان آمده است.

روش پژوهش

این پژوهش که با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی صورت گرفته است، در پی شناخت تاثیران نظام تعلیم و تربیت اسلامی بر ایجاد تمدن اسلامی در جامعه می‌باشد. پژوهش پیش‌رو که به شیوه اسنادی صورت گرفته از متون اسلامی و منابع مکتوب در دسترس استفاده شده است. ضمن آنکه همزمان اطلاعات گردآوری شده جهت استنباط موارد مدنظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

تمدن اسلامی در یک نگاه

تمدن اسلامی به لحاظ پیشینه با ۱۴ قرن حیات از ریشه‌دارترین تمدن‌های انسانی به شمار می‌آید، و از جهت دامنه گسترش آن، باید این تمدن را از گسترده‌ترین تمدن‌ها به حساب آورد. آنچه امروزه به عنوان تمدن اسلامی می‌شناسیم در واقع فرآیند و محصول چهارده قرن حضور مستمر و فعال اسلام در عرصه زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان می‌باشد. چهارده قرن است که مسلمانان با اسلام زندگی می‌کنند یعنی سعی نموده‌اند تا دیدگاهشان، راجع به جهان هستی و خالق جهان، نیایش‌هایشان آداب معاشرت و معاملاتشان، ازدواج و زاد و ولدشان،

جشن‌ها و ماتم‌هایشان و... بر پایه‌هایی از اعتقادات و دستورات اسلامی تنظیم نمایند. سرگذشت پیدایش این تمدن و فرهنگ، سرعت پیشرفت و توسعه، عظمت و کمال، گستردگی دامنه و شرکت طبقات مختلف اجتماع و ملل گوناگون اموری هستند که اعجاب‌ها را در مورد تمدن اسلامی سخت برانگیخته است. جرجی زیدان مسیحی می‌گوید: عربها (مسلمانان) در مدت یک قرن و اندی مطالب و علمی به زبان خود(عربی) ترجمه کردند که رومیان در مدت چندین قرن از انجام آن عاجز بودند، آری مسلمانان در ایجاد تمدن شگفت‌آور خود در غالب موارد به همین سرعت پیش رفته‌اند. دکتر عبدالحسین زرین کوب در پژوهشی پیرامون تمدن اسلامی از سرگذشت پیدایش این فرهنگ و عظمت و کمال آن به عنوان «معجزه اسلام» نام می‌برد که تعبیر زیبا و بجایی است.

ویژگی‌ها و پارامترهای تمدن اسلامی

تمدن اسلامی در کنار سایر تمدن‌ها، تمدن انسانی را پدید آورده‌اند؛ این تمدن از ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی برخوردار است که آن را از تمدنهای دیگر متمایز می‌کنند؛ هر گونه رهیافتی به تمدن اسلامی در گرو توجه به این ویژگیها است.

تمدن اسلامی وقتی که پا به عرصه وجود گذاشت، نسبت به تمدنهای پیشین موضع ویژه‌ای را اتخاذ نمود؛ بدین صورت که نه در مقابل آنها صف‌آرایی نمود و نه در برابر آن تمدن‌ها منفعل شد بلکه دست‌آوردهای مثبت آنها را گرفت و در خود هضم نمود و جهات منفی را هم نپذیرفت. دکتر زرین کوب در این باره می‌گوید: تمدن اسلامی، نه تقلید کننده صرف از فرهنگهای سابق بود، نه ادامه دهنده محض: ترکیب کننده بود و تکمیل سازنده.

تمدن اسلامی با محوریت قرآن از آغاز دیدگاهی جهانی و فراملیتی داشت و هیچ‌گاه خود را منحصر در یک قوم و نژاد ننمود، لذا در حوزه وسیع دنیای اسلام اقوام مختلف عرب ایرانی، ترک، هندی، چینی، مغولی، آفریقایی و حتی اقوام ذمی بهم آمیختند. و همین نکته سبب شد که مسلمانان از هر قوم و ملتی که بوده‌اند خود را منادی اسلام بدانند. یعنی مایه اصلی این معجون که تمدن و فرهنگ اسلامی خوانده می‌شود در واقع اسلام بود، نه شرقی و نه غربی.

تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

با نگاهی به روند فراز و فرود تمدن اسلامی در طول تاریخ و چالش‌ها و خطراتی که با آن مواجه بوده است، شاید بتوان گفت: هیچ زمانی به اندازه شرایط کنونی شاهد پویایی و رشد اسلام در عرصه‌های مختلف نبوده‌ایم. به طور قطع، پیروزی انقلاب اسلامی و نظام‌سازی بدیع بنیانگذار آن بر پایه اسلام ناب محمدی- از اتفاقات کم‌سابقه و شاید بی‌سابقه در طول تاریخ بوده است. نظامی که به گفته رهبری معظم انقلاب، خط کلی آن رسیدن به تمدن نوین اسلامی [۱] در پرتو اتکال به هدایت الهی است؛ «داعیه ما ایجاد تمدنی است متکی به معنویت، متکی به خدا، متکی به وحی الهی، متکی به تعلیم الهی و متکی به هدایت الهی.» [۲]

با توجه به ظهور و بروز اغلب جریان‌های پوچ‌گرا در غرب و شیوع آن‌ها به نقاط دیگر، می‌توان گفت: ایدئولوژی مکاتب غربی که بر پایه اومانسیم بنا نهاده شده است، پاسخ‌گوی نیازهای اساسی بشر نبوده و علی‌رغم توسعه علم، ثروت و قدرت نظامی در این کشورها، احساس آرامش و امنیت در میان مردم وجود ندارد و روز به روز آمار جنایت، قتل و انواع فسادها رو به افزایش است؛ لذا تدوین و تبیین تمدن نوین اسلامی که بر پایه خدامحوری و ارزشهای والای انسانی بنا نهاده شده‌است، می‌تواند نقش مهمی؛ اولاً در اصلاح رویه‌ها و ساختارهای کشور و الگو شدن آن برای دیگر کشورهای مسلمان داشته باشد و در ثانی، در رشد اسلام و صدور آن به جهان، تأثیر به‌سزایی داشته باشد. نظر به طرح مسئله تمدن نوین اسلامی از سوی رهبری معظم انقلاب، در این بخش سعی بر آن است که به اختصار اصلی‌ترین مؤلفه‌های این موضوع و برخی الزامات و راهبردهای تحقق آن - از دیدگاه معظم له - اشاره شود. به‌طور کلی، تمدن عبارت است از: مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی در جامعه انسانی. [۳] به عبارت دیگر: تمدن مجموعه‌ای است پیچیده از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال، شامل؛ جهات دینی و مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر. [۴] با این تعریف، به بررسی اصلی‌ترین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی می‌پردازیم.

مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی

۱- کرامت انسانی

تأکید اسلام ناب محمدی، بر حفظ کرامت انسان به‌عنوان یکی از آرزوهای دیرینه بشر، یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی است که نیل به این هدف، تنها در عمل همه‌جانبه به تعالیم اسلام و قرآن ممکن است؛ «هیچ مکتبی به قدر اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا نمی‌داند. یکی از اصول اسلامی که همیشه در تعریف و معرفی اسلام مطرح‌شده‌است، اصل تکریم انسان است. ما که منتظر

نمی‌نشینیم غربی‌ها بیایند حقوق بشر را به ما یاد بدهند یا ما را توصیه به حفظ حقوق انسان کنند! ما خودمان، اول طرفدار حقوق انسان هستیم. منتها حقوق انسان در سایه اسلام، قابل دفاع می‌شود و حقوق انسان به حساب می‌آید. اسلام است که با احکام خود (همه گونه احکام؛ چه احکام قضایی و جزایی، و چه احکام مدنی و حقوق عمومی و مسائل سیاسی) از حقوق انسان‌ها دفاع کرده‌است؛ نه آنچه که در اختیار آنهاست، نه آنچه که آنها به فریب، حقوق انسان به حساب آورده‌اند و اسم‌گذاری کرده‌اند. « [۵]

۲- علم و معرفت

با توجه به نگاه دین به علم، مشخص می‌شود که دین برترین جایگاه و منزلت را به علم و دانش، اختصاص داده است؛ تا آنجا که قرآن کریم، صاحبان علم را به درجات رفعت و بزرگی نوید می‌دهد: «یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجاتٍ والله بما تعلمون خبیر» [۶] به این ترتیب در تمدن نوین اسلامی، تحصیل علم عبادت به‌شمار می‌آید و عالم مورد تکریم و احترام است. رهبری معظم انقلاب نیز با اشاره به روایتی از امیرالمومنین (ع) به ارزش علم در اسلام اشاره می‌نماید: «در احادیثی که در زبان‌هاست و گاهی مورد تعمق قرار نمی‌گیرد، چقدر بعضی از نکات مهم هست: "الناس ثلاثه: عالم و متعلم علی سبیل نجاه و همج رعا"؛ اصولاً ما سه دسته انسان داریم: انسانهایی دانشمندند؛ انسانهایی در طریق دانستن هستند؛ بقیه، همج رعا هستند. همج رعا، یعنی انسانهای سرگردان، بی‌ارزش و بی‌وزن. می‌بینید که اسلام اصلاً نسبت به علم، در درجه‌ی اول، ارزش را روی علم می‌برد؛ چه داشتن علم و آموختن آن به دیگران و چه فراگیری علم. محیط اسلامی، چنین محیطی است.» [۷]

۳- عدالت‌گستری

همواره موضوع عدالت اجتماعی به مثابه؛ انصاف بی طرفی و برابری فرصتها، [۸] به‌عنوان یکی از اهداف دعوت پیامبران الهی مطرح بوده است. رهبری انقلاب، با اشاره به موضوع عدالت گستری، این امر مهم را یکی از شاخصه‌های پیشرفت در منطق اسلام معرفی نموده و فرموده‌اند: «اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و با منطق اسلام، پیشرفت نیست. امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده‌است، اما فاصله‌ی طبقاتی عمیق‌تر و شکاف طبقاتی بیشتر شده‌است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفتِ سطحی و ظاهری و بادکنکی است.» [۹] لذا شاخصه عدالت، از مهمترین خصوصیات تمدن اسلامی در برابر تمدن غربی است؛ چرا که در مکاتب غربی مثلاً: "لیبرالیسم نه تنها جایی برای تحقق عدالت و حفظ کرامت انسانی وجود ندارد بلکه به فرموده رهبر انقلاب عمیق‌تر شدن فاصله و شکاف طبقاتی را شاهد هستیم.

۴- عزت

یکی از خصوصیات که اسلام برای یک جامعه پویا و سرافراز ترسیم نموده، عزت ملی است. قرآن کریم در آیه هشتم سوره منافقون؛ عزت را از آن خدا و پیامبر (ص) و مومنان باله می‌داند و می‌فرماید: "یقولون لئن رجعنا الی المدینه لیخرجنّ الاعزّ منها الاذلّ و لله العزّه و لرسوله و للمؤمنین و لکنّ المنافقین لا یعلمون" بدین معنی که منافقان، در جنگ بنی المصطلق سوگند یاد کردند: پس از بازگشت به مدینه، پیامبر (ص) را از آن شهر اخراج کنند اما اراده الهی، بر عزت و پیروزی پیامبر (ص) و مؤمنان تعلق گرفت. حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به این موضوع، عزت را لازمه یک ملت عنوان کرده و آنرا نقطه مقابل احساس حقارت می‌داند و می‌فرماید: «عزت ملی عبارت است از اینکه: یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود - به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به موارث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود - نگاه می‌کند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهایی است که برای یک ملت لازم است.» [۱۰].

۵- ولایت

ولایت به معنای یک نظام ارزشی است که همراه با محبت و عاطفه نسبت به آحاد مردم بوده و تنها، فرمانروایی و حکمرانی تلقی نمی‌شود. [۱۱] این اسقرار ولایت است که موجب تحقق دیگر مؤلفه‌های تمدن اسلامی از جمله: عدالت، آزادی و عزت می‌گردد. ولایت در این مفهوم در مقابل سلطنت قرار می‌گیرد. سلطنت حکومتی است که در آن شخص حاکم هیچ ملاکی را برای سنجیدن تصمیمات در نظر نمی‌گیرد و خود را ملزم به پاسخگویی به سؤالات نمی‌داند. در این حکومت هیچ نظارتی خارج از فرد یا گروه حاکم برای سنجش تصمیمات وجود ندارد و تصمیمات براساس منافع شخصی گروه حاکم گرفته می‌شود. اما در تمدن اسلامی، فرد حاکم نه تنها در برابر قانون الهی پاسخگوست بلکه نسبت به نقد، نظارت، نصیحت و انتقاد افراد مسلمین نیز پاسخگو خواهد بود. [۱۲]

۶- آزادی

در مورد مقوله آزادی، نخست باید گفت: مبنا و منشاء آزادی در اسلام با مبنای آزادی به مفهوم غربی آن متفاوت است. ریشه آزادی در غرب بر لذت و رنج انسان استوار بوده و مبنای آن خواست و تمایلات انسان است؛ به‌طوری که هر چیزی که برای انسان لذت‌آور بوده و با خواش‌های قلبی او هماهنگی داشته باشد پسندیده و هر چه سبب رنج او گردد ناپسند و مذموم است که این امر مبنای قانونگذاری در این

جوامع نیز به حساب می‌آید؛ چرا که آرزوها و تمنیات اکثریت افراد جامعه، قانون را به وجود آورده و آزادی‌های عمومی را در چهارچوب خود قرار می‌دهد. رهبری انقلاب با اشاره به اینکه حقیقت آزادی وجود تقوا و تزکیه در انسان است و انسان تنها در این صورت می‌تواند بر قدرت های بزرگ عالم پیروز شود، ریشه آزادی در فرهنگ و تمدن اسلامی را دارای روح توحیدی دانسته و فرموده اند: «ریشه‌ی آزادی در فرهنگ اسلامی، جهان بینی توحیدی است. اصل توحید - با اعماق معانی ظریف و دقیقی که دارد - آزاد بودن انسان را تضمین میکند؛ یعنی هر کسی که معتقد به وحدانیت خداست و توحید را قبول دارد، باید انسان را آزاد بگذارد. لذا شما می‌بینید در دعوت انبیا در سوره‌های مختلف قرآن؛ در سوره‌ی انبیاء، در سوره‌ی اعراف، در برخی سوره‌ها که از پیغمبران مختلف حرف می‌زند، مثلاً می‌گوید: "و الی عاد اخاهم هودا قال یا قوم اعبدوا الله"؛ اول آنها را از خدا می‌ترساند و به دنبال آن، اطاعت از خدا و اطاعت از خودش را که نماینده خداست، به مردم پیشنهاد میکند. تمام پیغمبران، شروع دعوتشان عبارت بوده از اینکه: از خدا اطاعت کنید و از طاغوت - از کسانی که غیر خدا هستند و میخواهند انسان را اسیر کنند و برده کنند - اجتناب کنید؛ "ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت" بنابراین آزادی اسلامی متکی بر توحید است و روح توحید عبارت است از اینکه: عبودیت غیر خدا باید نفی شود؛ یعنی توحید در هر دینی و در دعوت هر پیغمبری معنایش این است که انسان باید از غیر خدا - چه آن غیر خدا یک شخص باشد، مثل فرعون و نمرود و چه غیر خدا و یا یک تشکیلات و یک نظام باشد. چه یک نظام غیر الهی؛ چه غیر خدا یک شیء باشد؛ چه غیر خدا هوی‌ها و هوسهای خود او باشد؛ چه غیر خدا عادت‌ها و سنت‌های رایج غیر الهی باشد - و از هر چه غیر خداست، اطاعت و عبادت نکند و فقط از خدای متعال اطاعت کند. « [۱۳]

۷- استقامت و مقاومت

«استقامت، یعنی راه را گم نکردن؛ فریب جلوه‌های مادی را نخوردن؛ اسیر هوی و هوس نشدن؛ دستورها و فرائض اخلاقی و معنوی و ادب اسلام را رها نکردن و به لذت‌طلبی و عشرت‌طلبی رو نیاوردن. اینها اساس کار است.» [۱۴] باید گفت لازمه رسیدن به اهداف عالی اسلامی، استقامت و مقاومت در برابر ابرقدرتها و دفاع از مستضعفین و مظلومین در سطح عالم است. این راه استقامت و مقاومت است که پرچم تمدن اسلامی و قرآن را در سراسر عالم برافراشته خواهد کرد و عدالت و مردم سالاری به معنای واقعی، کرامت انسانی و آزادی، با تأسی به آن تحقق پیدا خواهد کرد و این، وعده الهی است: «خدای متعال وعده قطعی کرده است که: "انّ الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه آلا تخافوا و لاتحزنوا"؛ استقامت در راه درست نتیجه‌اش این است که خدای متعال، اندوه و ترس را از یک انسان و یک جامعه سلب می‌کند و موفقیت را نصیب آنها می‌کند. ما راهی که انتخاب کردیم، راه خداست. ملت ما این راه را انتخاب کرد و در این راه پافشاری هم کرده است؛ با سختی‌هایی که در این راه هست، مقابله کرده و از آنها نهراسیده‌است. ان شاء الله میوه‌های شیرین و دلنشین این ایستادگی را خدای متعال به او خواهد چشاند.» [۱۵]

۸- اصلاح طلبی

به طور قطع اصلاحات انقلابی و اصلاحات حقیقی مورد نظر اسلام، نقد، اصلاح و پاسخگویی در جهت اهداف نظام اسلامی و در چهارچوب آن است؛ در صورتی که دشمنان اسلام تغییر اصل ساختار دین را هدف قرار داده و اصلاحات از نظر آنان تغییر و تبدیل اسلام به یک مجموعه وابسته و سرسپرده به غرب، بدون دخالت در امور اجتماعی و سیاسی مردم است. در حالیکه قرآن کریم این نوع اصلاح طلبان را مفسد معرفی می‌کند؛ چنانچه رهبری انقلاب در تفسیر آیه ۱۱ سوره بقره می‌فرماید: «برای یک ملت: هدف استقلال، هدف رها شدن از سلطه قدرتهای بیگانه، هدف رسیدن به ارزشهای اخلاقی و هدف آلوده نبودن به کالاهای فاسد و پس مانده فرهنگ فاسد غربی، (که امروز در اروپا و امریکا خودشان به ستوه آمده‌اند) و سر باز زدن از این‌ها و سرتافتن از اینها، هدفهای والایی است که اگر کسی بتواند با یک بینش منصفانه حرکت و جهاد و مقاومت این مردم را مشاهده بکند تأیید می‌کند که اگر مانعی برایشان به وجود آوردند، این فساد انگیزی است. قرآن به شکلی قاطع می‌گوید: اینها مفسدند، اما خودشان نمی‌فهمند و ملتفت نیستند، لذا به خیال خودشان دارند کار خوب می‌کنند و نمونه‌های اینچنینی را می‌توان در جامعه‌ی کنونی مشاهده کرد که چیزی می‌گویند و می‌نویسند و یا کاری می‌کنند که در جهت مقابله با این هدف و با این حرکت است و خیال می‌کنند این یک اصلاح است و یک حرکت به نفع مردم یا به نفع کشور است؛ در حالیکه اگر با بینش درست نظر کنیم، می‌بینیم درست در جهت مصالح دشمنان و جهت عکس مصالح ملت است.» [۱۶]

۹- استقلال

یکی از ایده‌هایی که همواره برای عموم مسلمین مطرح بوده و در طول تاریخ، بر آن تکیه ویژه‌ای می‌شده‌است، اصل استقلال خواهی و دشمن ستیزی است. اصل مبارزه با دخالت و نفوذ بیگانگان که یک سرمایه حیاتی برای ملت های مسلمان تلقی می‌گردد. باید در همه ابعاد مختلف زندگی مانند: عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی و... تقویت گردد، بطوریکه استمساک به دشمن ستیزی و استقلال طلبی برای تحقق تمدن نوین اسلامی، امری غیر قابل انکار به نظر می‌رسد.

۱۰- اخلاق عمومی و رفتار اجتماعی

مقام معظم رهبری با اشاره به پیشرفت های کشور در عرصه های مختلف از جمله: زمینه های علمی، نظامی، صنعتی و... بخش اصلی و نرم افزاری پیشرفت را معطوف به موضوع سبک زندگی نموده و فرموده اند: «اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش ها پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد.» [۱۷] ایشان، مسائلی مانند اخلاق حرفه ای، کار جمعی، رعایت حقوق اجتماعی، صداقت، پرهیز از پرخاشگری، وجدان کاری، قانون گرایی، انضباط اجتماعی، نشاط اجتماعی، کرامت اجتماعی زن و همچنین حوزه هایی از قبیل حوزه مصرف، حوزه اوقات زندگی، حوزه پوشش و حوزه تعاملات اجتماعی را از مهمترین شاخص های اصلاح سبک زندگی برشمردند که می توان با آسیب شناسی و یافتن شیوه های آن به پیشرفت در این حوزه ها نیز امید داشت.

الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی

۱- ایمان

یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه دار زمانی می تواند فکر و فرهنگ خود را در دنیا گسترش دهد که با مکتب و ایدئولوژی خود و با ایمان به آن در جهت تحقق این امر برآید و بر آن استقامت ورزد. این در حالی است که دشمنان اسلام برای توقف این حرکت عظیم به دنبال کشاندن جامعه به بی ایمانی است که این امر یکی از توطئه هایی است که به فرموده رهبر انقلاب با شدت و جدیت دنبال می شود: «کشاندن جامعه به بی ایمانی، یکی از همان توطئه هایی است که دشمنان تمدن سازی اسلامی دنبال آن بوده اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال می کنند. پس در درجه اول، نیاز تمدن سازی اسلامی نوین، به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی، همه آنچه را که مورد نیاز ماست، میتوانیم پیدا کنیم؛ باید اینها را محور بحث و تحقیق خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار پرحجم و باکیفیتی انجام دهیم.» [۱۸]

۲- پرهیز از سطحی نگری

رهبری انقلاب، تاجر، سطحی نگری و ظاهر گرایی را بعنوان عوامل سکولاریسم پنهان نام برده و پرهیز از سطحی نگری و مواردی از این دست را از دیگر الزامات تدوین تمدن سازی اسلامی برمی شمردند و می فرمایند: «گاهی اوقات در ظاهر، تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدائی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان جاری می شود، در برنامه ریزی ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا می کنیم، حرف می زنیم، شعار می دهیم؛ اما وقتی پای عمل به میان می آید، از آنچه که شعار دادیم، خبری نیست.» [۱۹]

۳- پرهیز از تقلید از غرب

تحمیل روش های زندگی و سیر و سلوک زندگی از سوی غرب به ملتها و تمدن های مختلف و الزام آنها به تقلید از این شیوه ها، نه تنها کمکی به پیشرفت ملتها نداشته است بلکه ضرر و فاجعه هایی را نیز برای آنها به همراه داشته است. بطوری که علی رغم آنکه در ظاهر، بعضی از این کشورها پیشرفت هایی را نیز کسب کرده اند اما هویت ملی خود را از دست داده و این تقلید و انحراف به فرموده رهبری انقلاب، علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت را به همراه داشته است. [۲۰] ایشان می فرمایند: «فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده فرهنگ هاست. هر جا غربی ها وارد شدند، فرهنگ های بومی را نابود کردند، بنیانهای اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملتها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند.» [۲۱]

راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی

۱- تولید فکر

عمق معارف دینی به مثابه ژرفای اقیانوسی است که سیر در آن، در همه زمان ها ممکن بوده و مجاهدت متفکران آگاه اسلامی که لازمه تولید فکر متناسب با نیازهای هر زمان می باشد، باعث پویایی این مکتب و به تعبیر حضرت آیت الله خامنه ای: تولید اندیشه راهنما و راهگشا برای بشریت، از این اقیانوس عظیم معارف است؛ «در همه ی زمانها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن شناسان، حدیث شناسان، آشنايان با شیوه استنباط از قرآن و حدیث، آشنايان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند، درخواست بشریت را بدانند، می توانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه راهنما و راهگشا برای بشریت.» [۲۲]

۲- پرورش انسان

باید گفت نقش آفرینان تولید فکر، باید توانایی هدایت افکار و همچنین پرورش انسانها و تقویت نیروی ایمان در آنها را داشته باشند چراکه تنها با حضور آحاد مردم و پرورش روح ایمان آنهاست که مسیر برای تحقق تمدن نوین اسلامی هموار می‌گردد. رهبری انقلاب این وظیفه را در درجه اول بر عهده علمای دین قرار می‌دهند: «باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند. بدون شک، مدیران جامعه جزء نقش آفرینانند؛ سیاستمداران جزء نقش آفرینانند؛ متفکران و روشنفکران جزء نقش آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است.» [۲۳]

سبک زندگی معلّم و نقش آن در ایجاد تمدن نوین اسلامی

با توجه به جایگاه مرکزی مفهوم تقوا در تبیین اهداف تربیتی، انسان دارای هویت مطلوب یا انسان مطلوب همان انسان متقی است [۲۳]. انسان مطلوب خود و تمام آنچه را در جهان است آیات متنوع و ظهورات متکثر حضرت حق تلقی نموده، آنها را بر حسب ظرفیت بازنمایی حقیقت، دسته بندی می‌کند. انسان مطلوب به مقام و موقعیت خویش در میان هستها و در محضر خداوند آگاه است و جهت بهبود این مقام و موقعیت، به تحصیل علوم و انجام اقدامات اصلاحی می‌پردازد و به طور پیوسته، آگاهی خود را نسبت به عوامل و موانع تداوم هستی (بقا) و همچنین عوامل و موانع ارتقای هستی (کمال) توسعه می‌دهد و به طور خودآگاه و هدفمند با محیط طبیعی و محیط اجتماعی در تعامل است. او نه تنها از موانع هستی می‌گریزد، بلکه از انفعال و انزوا در برابر عوامل محیطی، همچنین از تعطیلی، پراکندگی، و بی‌معنایی متنفر است. انسان مطلوب مصالح خویش را بر اساس فضایی بازشناسی می‌کند که وسیله تقرب به پروردگارد. او گرچه از هر چیزی به عنوان وسیله تقرب به پروردگار بهره می‌گیرد، ولی هرگز افراد، اشیا، طبیعت و جامعه را ابزار دستیابی به منافع شخصی تلقی نمی‌کند، بلکه بعکس، رضایت خداوند را مایه خدمت به مخلوقات خدا و ایثار برای بندگان خدا می‌جوید. او نه تنها عادل است، بلکه عدالت خواه نیز هست و برای برپایی عدالت، از خود می‌گذرد و منافع خویش را ایثار می‌کند. گروهی از انسانهایی که دارای هویت مطلوب هستند، می‌توانند جامعه مطلوب (جامعه سالم) را برپا کنند.

به منظور دستیابی به این اهداف، باید به دسته‌ای از سیاستها، برنامه‌ها و اقدامات تربیتی تن داد و آنها را به گونه‌ای سامان‌دهی کرد که در نهایت، زمینه شناخت یادگیرندگان از عوامل و موقعیت‌های فردی و اجتماعی را فراهم آورده، آنها را نسبت به خویش حساس نمایند و مانع غفلت آنها شود. همچنین این اقدامات تربیتی باید بتواند در یادگیرندگان رغبت به اصلاح موقعیت، گزینش معیار، سامان‌دهی محیط طبیعی و روابط اجتماعی و سامان‌دهی خود را پدید آورد و هرگونه ساختار یا جریان عملی، که با این اهداف در تعارض باشد، لازم است بازسازی یا طرد شود [۲۴]. از آن رو که تمام سیاست‌گذاری‌ها در درون نظام تربیت رسمی و عمومی انجام می‌پذیرد و مدرسه به تربیت دانش‌آموزانی توانمند، فرهیخته و دارای شایستگی در ابعاد گوناگون ساحت‌های تربیتی اختصاص دارد و این مؤلفه زنجیر وصل سایر مؤلفه‌هاست، در این قسمت، با نظر به آموزه‌های دینی اسلام و ارزش‌های ملی، اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی و انتظارات خانواده‌ها، مجموعه قابلیت‌های دانش‌آموزان (متعلمان) در ابعاد گوناگون ساحت‌های تربیتی ترسیم می‌شود [۲۵] تا مبتنی بر این انتظارات، به همراه مؤلفه‌های مؤثر دیگر، بتوان در مسیر تعلیم و تربیت، در تمدن نوین اسلامی گام‌های استوار برداشت و انتظار رسیدن به آن اهداف تعیین شده در جاده‌ای هموارتر و روشن‌تر را داشت. ساحت‌های تربیتی، که در اهداف رهنامه نظام تربیتی رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران [۲۶] بیان شده، به شش ساحت، عبادی، اعتقادی و اخلاقی؛ زیستی - بدنی؛ اجتماعی - سیاسی؛ اقتصادی - حرفه‌ای؛ علمی - فناوری؛ و هنری - زیبایی شناختی تقسیم گردیده است.

امکان تربیت مدنی

حدود معین نقش تعلیم و تربیت در تحقق جامعه مدنی را می‌توان در فرآیند و هدف تربیت مدنی ملاحظه کرد. تربیت مدنی در پی آن است که ویژگی‌های فعلیت‌یافته و نیز قابلیت‌هایی را که در افراد فراهم کرده با خصایص جامعه مدنی، تناسب داشته باشند. اما موفقیت در تربیت مدنی، یعنی موفقیت در فراهم کردن این ویژگی‌ها و قابلیت‌ها، بدان معنی نیست که لزوماً راه تحقق جامعه مدنی هموار شده باشد. تربیت مدنی، تنها یکی از مولفه‌های لازم را برای این فراهم می‌آورد. تعلیم و تربیت یکی از نهادهای اجتماعی است که در کوتاه کردن راه تجربیات گذشته بشری، نقش مهم بازی می‌کند. از همین جاست که سخن گفتن از تربیت مدنی، یکی از مولفه‌های حرکت به سوی تحقق جامعه مدنی، مورد توجه قرار می‌گیرد. [۲۷]

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد استفاده درست و مطلوب از داشته‌های دیروز و امروز خود در راستای شکل‌گیری و شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی مهمترین خواسته اندیشه‌ورزان و مسئولین جامعه امروزمان می‌باشد. یکی از مهم‌ترین کارکردهای نهادهای متولی امر تعلیم و تربیت در زندگی معاصر و جامعه کنونی، تربیت شهروندان فعال، خلاق، مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌جو برای به عهده گرفتن نقش‌های شهروندی در جامعه محلی، ملی و جهانی است. تربیت شهروندی تدارک فرصت‌های کسب دانش و آگاهی، اتخاذ نگرش و تقویت توانمندی‌هایی است که فرد را در تعامل موثر با دیگر افراد جامعه و جهت مشارکت در زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی یاری میرساند. با توجه به مفاهیم شهروندی و تربیت شهروندی و مولفه‌های آن، دو دهه اخیر را می‌توان دهه‌های توجه به تربیت شهروندی نامید. دغدغه توجه به تربیت شهروندی در دهه اخیر در بین متولیان امر تعلیم و تربیت و سایر افراد ذیصلاح بیانگر نقطه آغاز توجه به تربیت شهروندی است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای نهادهایی مثل تعلیم و تربیت در زندگی معاصر و جامعه کنونی، تربیت شهروندان فعال، خلاق، مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌جو برای بر عهده گرفتن نقش‌های شهروندی در جامعه محلی، ملی و جهانی است. تربیت شهروندی تدارک فرصت‌های کسب دانش و آگاهی، اتخاذ نگرش و تقویت توانمندی‌هایی است که فرد را در تعامل موثر با دیگر افراد جامعه و جهت مشارکت در زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی یاری می‌کند.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴
- [۳] بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۱/۴/۳۱
- [۴] نشریه حقوق، کانون، سال نهم، خرداد و تیر ۱۳۴۴ - شماره ۳ و ۴
- [۵] فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۴۷
- [۶] بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۹/۲۵
- [۷] بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۳/۷/۵
- [۸] فرهنگ واژه‌ها، عبدالرسول بیات، ص ۳۷۳
- [۹] بیانات در اجتماع مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۷/۲۲
- [۱۰] بیانات در جمع مردم استان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۲
- [۱۱] بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۷/۲/۱۸
- [۱۲] هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد. صحیفه نور، جلد ۷، ص ۳۳
- [۱۳] بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹
- [۱۴] بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی، ۹۱/۱۰/۱۹
- [۱۵] همان جا.
- [۱۶] بیانات در جلسه چهاردهم تفسیر سوره بقره، ۱۳۷۰/۹/۶
- [۱۷] بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۴
- [۱۸] همان جا.
- [۱۹] بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴
- [۲۰] بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۴
- [۲۱] بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴
- [۲۲] همان جا.
- [۲۳] پیام به کنگره حج در آذرماه ۸۷
- [۲۴] پورموسوی، سید یعقوب، ۱۳۹۴، بررسی نقش آموزش و پرورش در زمینه سازی شکل گیری تمدن نوین اسلامی - ایرانی، دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد، دانشگاه تربت حیدریه،
- [۲۵] علم الهدی، جمیله (۱۳۸۹)، نظریه اسلامی تعلیم و تربیت، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- [۲۶] حاجی بابایی، حمیدرضا و سوسن کشاورز (۱۳۹۱)، مدرسه ای که من دوست دارم، تهران، مدرسه.
- [۲۷] دبیرخانه شوراى انقلاب فرهنگى (۱۳۹۱)، رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- [۲۸] باقری، خسرو (۱۳۹۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران انتشارات مدرسه جلد ۲.
- [۲۹] نقیب زاده جلالی، میرعبدالحسین، ۱۳۹۱، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، طهوری.
- [۳۰] مطهری، مرتضی، ۱۳۶۹، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، صدرا.
- [۳۱] نصر، سیدحسین، ۱۳۸۴، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، علمی و فرهنگی
- [۳۲] آهنچیان، محمدرضا، ۱۳۸۲، آموزش و پرورش در شرایط پست مدرن، تهران، طهوری.
- [۳۳] پارسیان، علی، ۱۳۸۸، جستاری در عوامل فراز و فرود تمدن اسلامی، علوم اسلامی، ش ۱۶، ص ۱۵۷-۱۹۰
- [۳۴] اولیچ، رابرت، ۱۳۹۰، مریبان بزرگ؛ تاریخ اندیشه های تربیتی، ترجمه علی شریعتمداری، تهران، سمت.
- [۳۵] بری، آدامسن، میسن و مارک، باب، ۱۳۸۹، پژوهش های تطبیقی در آموزش و پرورش (رویکرد و روش)، ترجمه عباس معدن دار آرنای و پروین عباسی، تهران، آبیژ.
- [۳۶] فرمهبنی فراهانی، محسن، ۱۳۸۸، پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت، تهران، آبیژ.
- [۳۷] گوتک، جeraldی، ۱۳۹۱، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه محمدجعفر پاک سرشت، تهران، سمت.